



تحلیل مؤلفه‌های دگرگونی نامطلوب نظام ارزشی در منظومه تفکر اسلامی

هاجر شاکر خوشرو^۱، مهران رضایی^۲

۱. کارشناسی ارشد مبانی نظری اسلام، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)^۱

چکیده

نظام‌های ارزشی به عنوان بخش اساسی در هویت فرهنگی و اجتماعی، تأثیرات گسترده‌ای بر پایداری یا زوال جوامع دارند؛ از این رو همواره مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده اند. متفکران اسلامی نیز از این امر مهم غافل نبوده و تلاش نموده اند با ارائه تحلیل علمی از نظام ارزشی و مولفه‌های تأثیرگذار در دگرگونی ارزش‌ها، رسالت اجتماعی خویش را انجام دهند. مسئله خاص این پژوهش بررسی مولفه‌های تأثیرگذار در دگرگونی نامطلوب ارزش‌های اخلاقی در منظومه تفکر اسلامی (با تمرکز بر آثار آیت الله جوادی آملی) است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. مبتنی بر تحلیل‌های ارائه شده با تتبع در آثار آیت الله جوادی آملی در تحلیل رابطه مولفه‌های دگرگونی نامطلوب نظام ارزشی، چنین می‌نماید که ریشه دگرگونی همه مولفه‌ها، به تغییر در مولفه‌های الهی- اعتقادی (دوی از اعتصام به فرمان خدا و دنیاطلبی) باز می‌گردد. سپس متأثر از این تغییر، به مرور، مولفه‌های فردی - رفتاری انسان‌ها (ملکه شدن ردائل و عادات نفسانی، دوری از فطرت و اسراف) دچار دگرگونی نامطلوب می‌شود. با شدت یافتن این حالات و تغییرات، اندک اندک دگرگونی‌های نامطلوب، گسترده‌تر شده و به حیطه مولفه‌های اجتماعی - محیطی (وجود منافقان در جامعه، استهزای ارزش‌ها و تکیه بر اسباب ظاهری) کشانده می‌شود. در نهایت، ماحصل این چرخه دگرگونی‌های نامطلوب، بر مولفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک (عناد با رهبران اهلی و جنگ طلبی) تأثیر گذار خواهد بود.

کلیدواژگان: نظام ارزشی، دگرگونی نامطلوب، آیت‌الله جوادی آملی، اخلاق، اسلام.

۱- مقدمه

تحولات ارزشی، همواره جزء بنیادی‌ترین تغییرات در بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع بوده‌اند و به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت یا انحطاط آن‌ها عمل کرده‌اند. از دیدگاه اسلام، نظام ارزشی مبتنی بر توحید و اصول اخلاقی، پایه‌ای استوار برای ایجاد تعادل در رفتارهای انسانی و اجتماعی محسوب می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی، به‌عنوان یکی از اندیشمندان برجسته معاصر، با بررسی دقیق مبانی قرآنی و روایی، به تحلیل عوامل دگرگونی نامطلوب در نظام ارزشی پرداخته است. وی معتقد است که دوری از معنویت، تضعیف اخلاق، و غلبه تمایلات مادی‌گرایانه، از مهم‌ترین عوامل انحراف جوامع انسانی از مسیر حق و عدالت هستند.

¹. Email: m.rezaee@umz.ac.ir

در این مقاله، تلاش شده است تا با تمرکز بر تحلیل دقیق مؤلفه‌های دگرگونی نامطلوب نظام ارزشی از منظر آیت‌الله جوادی آملی، این عوامل در چهار حوزه فردی، اجتماعی، سیاسی-ایدئولوژیک و الهی-اعتقادی دسته‌بندی و بررسی شوند. اهمیت این پژوهش در آن است که با شناخت دقیق این عوامل و تأثیرات آن‌ها بر نظام ارزشی، می‌توان گام‌های مؤثری در راستای احیای معنویت و تقویت ارزش‌های الهی برداشت. به‌ویژه در جهان معاصر که بحران‌های اخلاقی و ارزشی به‌طور روزافزون در حال گسترش است، بازگشت به منظومه فکری اسلام و آموزه‌های قرآنی، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد.

۲- مؤلفه‌های دگرگونی نامطلوب نظام ارزشی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

بنا به تحلیل آیت‌الله جوادی آملی، معنویت مبنای اصلی هر نظام ارزشی محکم و موفقی است. ایشان با برجسته سازی نقش توحید، امان و اخلاق، عقده‌های اصلی تغییرات منفی را در سقوط این مولفه‌ها می‌دانند. وی با استناد به آیات قرآن و حدیث‌های نبوی، به نقش تفاوت‌بنگرشی در حفظ یا از دست دادن ارزش‌های معنوی پرداخته است.

۲-۱- عوامل فردی - رفتاری

۲-۱-۱- ملکه شدن ردائل و عادات نفسانی

در قرآن، تغییرات و پیمودن راه حق دو مرحله دارد. اگر وصف‌های مثبت داخلی فرد باشند، تغییر آسان و پیمودن راه حق نیز ساده است. اما اگر وصف‌های منفی درونی برتری یابند، تغییر سخت و پیمودن راه حق دشوارتر خواهد بود.

منشاء و معیار فضایل و ارزش‌ها، جاذبه‌های فراطبیعی و غیر مادی انسان است. اگر جاذبه‌های طبیعی و مادی بر جاذبه‌های فراطبیعی و غیر مادی انسان غلبه کند، صفات ردیله در انسان ظهور می‌یابد، و اگر جاذبه‌های فراطبیعی و غیر مادی انسان بر تمایلات طبیعی و مادی او غلبه کند، اوصاف فاضله در او پدیدار می‌شود. در قرآن کریم در بیش از پنجاه آیه، اشاره‌هایی به صفات نکوهیده شده و برای آن انسان‌ها را سرزنش کرده است. این صفات شامل بخیلی، جزوع، ضعیف، منوع، هلو، عجل، ظلم، جهول و ... هستند که همگی به طبیعت انسان بازمی‌گردد و منشأ پدیدار شدن این این اوصاف ردیله، جاذبه‌های طبیعی و مادی در انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف: ۱۷۰).

در نتیجه، نگرانی‌ها و تمایلات طبیعی و مادی انسان می‌توانند بر تغییر رفتار و ویژگی‌های اخلاقی او تأثیرگذار باشند. این تغییرات می‌توانند گاهی سخت و گاهی آسان باشند. اگر وصف‌های نیکو در اوایل زندگی فرد جذبی شده باشند، تغییرات مثبت در رفتار و اخلاقیات وی آسان‌تر خواهند بود. اما اگر اخلاقی فاسد در فرد ریشه گرفته باشد، تغییر آن در طول مسیر حقیقی سخت‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، جهت‌دهی اخلاقی در انسان به منشأ وصفی داخلی او

بستگی دارد. اگر اخلاقیات مثبت و نیکو در ابتدا تأسیس شده باشند، انسان می‌تواند با آسانی به مسیر حقیقت پی ببرد. اما اگر ویژگی‌های منفی و رذیله‌آمیز در فرد غلبه داشته باشند، تغییر آن‌ها سخت‌تر خواهد بود.

این دیدگاه در قرآن نیز تأکید شده است و آیات متعددی به صفات اخلاقی منفی اشاره کرده و انسان‌ها را به پیروی از ارزش‌های مثبت تشویق می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها باید جاذبه‌های فراطبیعی و غیرمادی خود را بر تمایلات مادی غلبه دهند تا ارزش‌ها و فضایل درونی در آن‌ها ظهور یابند. به این ترتیب، منشأ و معیار ارزش‌ها و اخلاقیات در انسان، جاذبه‌های فراطبیعی و غیرمادی اوست. نگرانی‌ها و تمایلات انسان می‌توانند به‌عنوان یک میزان برای ارزیابی تغییرات اخلاقی و رفتاری در او مطرح شوند. این مفهوم نشان می‌دهد که تغییر رفتار و ارزش‌های انسان به منشأ و تأثیر جاذبه‌های داخلی و محیطی او بستگی دارد.

۲-۱-۲ دوری از فطرت

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، عوامل نابودکننده ارزش‌ها در جامعه از جمله دوری از فطرت است. ایشان تأکید دارند که فطرت یک توانایی ذاتی در انسان است که به او قابلیت تشخیص خیر و شر، درک ارزش‌ها و اختیار انتخاب را می‌دهد. این فطرت باعث ایجاد ارتباط میان انسان و اصول اخلاقی، انسانی و دینی می‌شود.

همه تیرگی‌ها و آلودگی‌هایی که منجر به دوری از فطرت انسانی می‌شود، به شکلی در دوری از خداوند که هستی محض است نهفته است و اگر انسان‌ها قرب خود را به کمال مطلق هستی حفظ می‌کردند، هیچ‌گاه از مسیر فطرت دور نمی‌شدند. از این رو، کسانی که با انجام عبادات خصوصاً نماز ارتباط خویش را با ذات مقدس پروردگار، قوام و استمرار می‌بخشند، برپاکی و طهارت باطنی و فطری خویش باقی مانده و تا حدودی از آلودگی‌ها مصونیت می‌یابند؛ «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)

از طرفی، دوری از فطرت به معنای دوری از اصول اخلاقی و انسانی است که ممکن است به دلیل تأثیرات منفی جامعه، تبلیغات غلط یا تغییرات فرهنگی رخ دهد. این دوری باعث کاهش قدرت تشخیص و درک درست ارزش‌ها و اصول می‌شود و انسان را به سمت رفتارها و تصمیمات نادرست می‌کشاند.

فطرت الهی سرمایه‌ای است که ذات اقدس الهی به همه انسان‌ها داده است. اگر کسی این ارزش‌ها را در میان اغراض و غرایز خود دفن و پنهان کند، فطرت خود را زنده به گور کرده و روی آن، خانه تبهکاری ساخته و مصداق «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا» خواهد بود. دسیسه کردن نفس به معنای زنده به گور کردن فطرت و عقل و روی آن را با خاک اغراض و غرایز و هوا و هوس

پوشاندن است. بنابراین تمام ارزش‌های الهی را نیز دفن می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۱۷۴).

در نتیجه دیگر عاملی که موجب نابود شدن ارزش‌ها می‌گردد، محور نبودن فطرت الهی که در نزد بشر به امانت قرار داده شده است، زیرا فطرت الهی یکی از ملاک‌های تشخیص ارزش از غیر ارزش است؛ فلذا اگر این فطرت محور نباشد؛ ارزش‌ها از بین می‌روند. به خاطر اینکه فطرت الهی که وحی آن را بیان کرده است در همه افراد بشر یکسان است. بنابراین اگر فطرت محور قوانین بشری باشد تمام بشریت به اصول ارزشی یکسانی دست پیدا می‌کنند. اما اگر هر کشوری منبع اقلیمی خاص و اصول نژادی و مبانی ارزشی خود را داشته باشد، هر یک عدالت را مطابق اصول (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ب: ۱۳۸) خود تفسیر می‌کند و برخی رزمندگان فلسطینی مدافع از سرزمین خود را تروریست و صهیونیست متجاوز را عدالت خواه قلمداد می‌کنند (همان: ۱۳۹).

۲- ۱- ۳- اسراف

اسراف به عنوان یکی از نمونه‌های آشکار حرکت‌های بی‌خردی و نادانی محسوب می‌شود. فهم عقلانی و برداشت از وحی دینی تاکید دارند که از امکانات به میزان لازم و مناسب در زمینه‌های مختلف استفاده شود. اسراف، به عبارتی پرتاب، هدر دادن و نابود کردن منابع و امکانات ارزشمند را به طور نامناسب ترویج می‌دهد. این عمل در تضاد با اصول اخلاقی، انسانی و دینی است و باعث تنفر وجدان انسان از این نوع رفتار می‌شود.

در پایان آیه ۳۱ سوره اعراف، از اسراف باز می‌دارد، زیرا خدا اسرافکاران را دوست ندارد: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». درباره مخاطبان «وَلَا تُسْرِفُوا» وجوه فراوانی برشمرده اند و بیشتر آن را ویژه ثروتمندان می‌دانند (ر.ک: التبیان، ج ۴: ۲۹۵؛ مجمع البیان، ج ۴: ۵۷۸؛ المیزان، ج ۷: ۳۶۴)، در حالی که اطلاق «وَلَا تُسْرِفُوا» شامل فقیر، غنی، مأموران گرفتن زکات و جمع امور مالی و هر دارایی می‌شود، چنان که مسائل حقوقی و قانونگذاری را نیز دربر می‌گیرد که نباید قانونگذار قانون مسرفانه جعل کند و سیاق آیات مورد بحث هم نشان می‌دهد که قانون مشرکان در استفاده از محصولات دامی و کشاورزی: «هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ» قانونی مسرفانه است که بی حد و بی دلیل عقلی یا نقلی وضع کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۷: ۳۰۱).

اسراف نه تنها بر زندگی انفرادی و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه به تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حتی بهداشت فردی آسیب وارد می‌کند. در این موقعیت‌ها، وقتی که فشار استکبار غرب بر امت اسلامی تشدید شده است و بار فقر به شدت به این جوامع فشار دارد، اهمیت جلب می‌کند. در چنین شرایطی، اسراف نه تنها یک گناه کوچک نیست، بلکه به ابعاد بزرگتری نیز می‌پیوندد.

اسراف به عنوان یک عمل ناپسند و نادرست، همیشه و در همه جا بر زندگی انسان‌ها و جوامع تأثیر منفی می‌گذارد. اما در زمان‌هایی مانند کنونی، که فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر امت اسلامی زیادتر شده است، اسراف تبدیل به یک مسئله بزرگتر و مهمتر می‌شود که نیازمند توجه جدی، آگاهی و عمل به مساعی مشترک جامعه می‌باشد. اسراف خروج از حد و حدود معین شده است. معظم له در تفسیر کلمه «مُسْرِفین» ریشه تغییر تمام اصول‌های ارزشی را اسراف می‌داند. مسرفین دائماً در غفلت غوطه‌ور هستند. ایشان در تفسیر خود قید گاهی را هم عمداً ذکر کرده و تصریح می‌کند غفلت مسرفین حتی گاهی نیز اتفاق نمی‌افتد بلکه دائماً در غفلت هستند. بنابراین اسراف و زیاده روی از حد ریشه همه تغییرات اصول ارزشی می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۳۶: ۲۴۵).

در نتیجه می‌توان گفت بازتاب اسراف در دو حوزه مختلف به چشم می‌خورد. از یک سو، اسراف در استفاده از منابع شخصی نشانه‌ای از تبلی‌ها و عدم آگاهی‌ها است که باعث ضایعه منابع ارزشمند می‌شود و به اصول عدالت اجتماعی تخلف می‌کند. از سوی دیگر، در زمینه مالی بیت‌المال مسلمانان، اسراف نه تنها یک تخلف اخلاقی است، بلکه به ابعاد بزرگتری نیز متصل می‌شود و می‌تواند به تضعیف اقتصاد جامعه و ترویج نابرابری منجر گردد.

۲-۲- عوامل اجتماعی - محیطی

۲-۲-۱- وجود منافقان در جامعه

دیگر عامل نابود کننده ارزش‌ها که در اسلام بدان اشاره شده است، وجود داشتن منافقان در جامعه است، به خاطر اینکه منافقان تا زمانی که در جامعه حضور داشته باشند، با رفتارهای دوگانه خویش موجب بی‌اعتباری ارزش‌ها در نزد افراد می‌گردند؛ فلذا برای اینکه بتوان ارزش‌ها را در جامعه تقویت نمود، باید این گونه افراد از جامعه طرد شوند.

نخستین ویژگی رفتاری منافقان امر به زشتی و نهی از نیکی است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» همچنین به این حد هم قانع نیستند بلکه هم خودشان از معارف و احکام و حکم الهی دورند؛ هم دیگران را از آن باز می‌دارند: «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْتَوْنَ عَنْهُ» آن‌ها در خلاف جهت اسلامی و اصول ارزشی حرکت می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۴: ۴۴۵).

این اقدامات عملی منافقان در جامعه سبب تغییر مستمر و آرام ارزش‌ها و اخلاقیات در جامعه می‌شود و به مرور اخلاقیات منافقانه مثل ریاکاری و رفتارهای دوگانه را در جامعه ترویج می‌دهند. تا جایی که اعتماد از بین رفته و مردم با یکدیگر منافقانه برخورد کرده و اعتمادها از بین می‌رود.

۲-۲-۲- استهزای ارزش‌ها

استهزای ارزش‌ها، یکی از عوامل نابودکننده‌ی حیثیت و اهمیت ارزش‌های معنوی و اخلاقی است. این پدیده نه تنها ارزش‌های انسانی را تضعیف می‌کند، بلکه به جامعه‌ای بی‌اعتماد و از هم پاشیده منجر می‌شود. استهزا به عنوان یک نشانه از کم‌توجهی به ارزش‌های معنوی و انسانی، در نهایت به ناپایداری اجتماعی و کاهش انگیزه‌های اخلاقی و فرهنگی منجر می‌شود.

کلمه "سخریه" که مبدأ اشتقاق کلمه "یسخر" است، به معنای استهزا است. استهزا عبارت است از: گفتن چیزی که باعث تحقیر و اهانت کسی شود، هیچ تفاوتی هم ندارد که مستقیماً یا غیرمستقیم فرد دیگری را تحقیر کند یا عملاً تقلید طرف را نشان دهد، به گونه‌ای که شنوندگان و بینندگان به طور طبیعی از این سخن، اشاره یا تقلید، بخندند. (طباطبائی، ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۳۲۱). فلذا استهزا و تمسخر ارزش‌ها از موارد سبک جلوه دادن ارزش بوده و منزلت آن را نزد افراد کاهش می‌دهد با بی‌اهمیت شده ارزش‌ها زمینه تغییر آن‌ها فراهم می‌آید برای همین است که خداوند برای استهزا کنندگان ارزش‌های الهی وعده عذاب داده است. چرا که با تغییر ارزش‌ها زمینه گناه و عصیان نیز فراهم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۳۸، ج ۵: ۳۹۱).

منافقان نزد مؤمنان ابراز ایمان می‌کردند و چون با دوستان خود خلوت می‌کردند، می‌گفتند: ما با شما ایم و مؤمنان را استهزا می‌کنیم. خداوند نیز می‌گوید خدا آنان را استهزا می‌کند و در طغیان خود رهایشان می‌کند تا سرگردان باشند. این دو استهزا متفاوت است؛ زیرا استهزای منافقان اعتباری و فاقد هر گونه اثر واقعی است، اما استهزای خداوند تکوینی است (آنان را سبک مغز و سبک قلب می‌کند) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۸۲).

در نتیجه به نظر آیت‌الله جوادی آملی، استهزا به ارزش‌ها و مفاهیم معنوی و اخلاقی، منجر به نابودی حیثیت و اهمیت آن ارزش‌ها می‌شود. این پدیده باعث کاهش اعتماد به نفس و اعتماد به جامعه می‌شود و در نهایت منجر به ناپایداری اجتماعی و کاهش انگیزه‌های اخلاقی و فرهنگی می‌شود. به عبارت دیگر، استهزا و تمسخر به ارزش‌ها باعث کاهش ارزش‌گذاری و تحقیر آن‌ها می‌شود، و در نتیجه ارزش‌ها ممکن است تغییر کنند و از اصالت خود کاسته شوند. آیت‌الله جوادی آملی همچنین به نمونه‌های تاریخی از منافقان اشاره کرده و تفاوت استهزاء منافقان با استهزاء خداوند را تبیین نموده‌اند. استهزاء منافقان فاقد اثر واقعی است، در حالی که استهزاء خداوند از نوعی تکوینی است و تأثیر قابل مشاهده دارد.

۲-۲-۳- تکیه بر اسباب ظاهری:

یکی از عوامل مهم و نابودکننده ارزش‌ها، تکیه بیش از حد بر اسباب ظاهری و سطحی است. این پدیده منجر به کاهش ارزش‌های عمیق و معنوی در زندگی انسان می‌شود. تمرکز تنها بر

جنبه‌های ظاهری و مادی امور، منجر به ضعف ارتباط با اصول اخلاقی و ارزش‌های مهم می‌شود. این تمرکز می‌تواند به طرح موقتی و ناپایداری در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها منجر شود، که در نهایت ارزش‌های اصیل و ماندگار را زیر سؤال می‌برد.

از نشانه‌های منکران وحی، تکیه بر امکانات مادی و پیوندهای قومی و عشیره‌ای و دوستی‌های نژادی و قراردادی و سایر امور اعتباری است. ارزیابی ارزش‌ها نزد آنان در همین چهار چوب بررسی می‌شود و پول و زر و اقتصاد، نقش اول را برعهده دارد و از این منظر، منکران انتظار دارند که دیگران پیروشان شوند؛ زیرا آنان صاحب ملک و ملک و زور و زرند. از این رو، فرعون می‌گفت: ای قوم! آیا فرمانروایی مصر و این نهرها که زیر قصر من روان است، از آن من نیست، مگر نمی‌بینید؟ آیا من بهترم یا این درمانده ای (موسی) که نمی‌تواند سخن بگوید؟ چرا دستبندهای زرین به او داده نشده است و چرا فرشتگان او را همراهی نمی‌کنند؟ «فلولا لقی علیه أسورة من ذهب أو جاء معه الملائكة مقترنین»؛ یعنی از لوازم حکومت حاکم، آن است که مزین به دستبندهای طلا باشد. پس، من (فرعون) که مزین به طلا هستم فرمانروایم و موسی این اصل لازم برای حکومت را ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۴۹).

بنابراین در این راستا، آیت‌الله جوادی آملی به اهمیت انکار جاودانگی ارزش‌ها و تمرکز ناپایدار بر جنبه‌های ظاهری اشاره کرده‌اند. ایشان اشاره می‌کند که از نشانه‌های منکران وحی، استناد به امور مادی و اتکا به پیوندهای قومی، عشایری، نژادی و قراردادی است. این منکران به پول و زر، نقش اول را در ارزش‌گذاری داده و از آنجایی که تمرکزشان بر جنبه‌های ظاهری است، انتظار دارند دیگران نیز از همین معیارها پیروی کنند. تمرکز خود را بر جنبه‌های مادی می‌گذارند و این تمرکز ضمن ضعیف کردن ارتباط با ارزش‌های معنوی، به تخریب ارزش‌های اصیل و ماندگار منجر می‌شود. در نتیجه، تکیه بیش از حد بر اسباب ظاهری و سطحی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل نابودکننده ارزش‌ها در نظر گرفته شود که باعث کاهش ارتباط با ارزش‌های معنوی و اخلاقی می‌شود و در نهایت منجر به ضعف ارزش‌ها و ناتوانی در حفظ اصول اخلاقی می‌گردد.

۲-۳- عوامل سیاسی - ایدئولوژیک

۲-۳-۱- عناد با رهبران الهی و جنگ با مقدسات

از دیگر عوامل نابودکننده ارزش‌های اخلاقی، عناد با رهبران الهی است، به این صورت که رهبران الهی نماد ارزش‌ها از طرف خداوند متعال می‌باشند؛ زیرا خداوند رهبران الهی الگوی بشر می‌باشند؛ فلذا تمام رفتارهای آنها ارزش محسوب می‌شود؛ در نتیجه عناد با ایشان موجب از بین رفتن ارزش‌های می‌شود.

چنانچه آیات قرآن در ماجرای بنی اسرائیل مثال خوبی برای عوامل تغییر ارزش‌ها است. بیان لجاجت و عناد بنی اسرائیل با رهبران الهی خود نیاز جامعه امروز است که نتیجه عنادها و مخالفت آن‌ها آنها سبب هبوط اصول اخلاقی و ارزشی و فروپاشی اصول معارف و اعتقادی آن‌ها شد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۲۲۵).

به نظر آیت‌الله جوادی آملی، از عوامل نابودکننده ارزش‌ها، عناد و مخالفت با رهبران الهی و اصول دینی است. از نظر ایشان، عناد با رهبران الهی نه تنها ارتباط انسان با اصول معنوی و دینی را تضعیف می‌کند، بلکه ممکن است به تشویش انسان‌ها در جهت ارزش‌های منحرف و ناپسند منجر شود. ایشان تأکید می‌کنند که پیروی از رهبران الهی و پیروی از تعلیم معنوی و دینی، به حفظ ارزش‌ها و تعالی معنوی جامعه کمک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف، ج ۳۸: ۱۷۳).

آیت‌الله جوادی آملی نیز توضیح داده‌اند که عناد با رهبران الهی و مخالفت با تعلیم اصول دینی، منجر به استعباد، استثمار، استعمار و حتی تهاجم و تکالب ملت‌های ضعیف می‌شود. ایشان با استفاده از منابع دینی و تفسیری مبتنی بر آیات قرآنی به اهمیت پیروی از رهبران الهی در جهت حفظ ارزش‌های اخلاقی و معنوی اشاره کرده‌اند. (همان: ۱۷۱)

در نتیجه، عناد با رهبران الهی را یکی از عوامل نابودکننده ارزش‌ها و تعالی معنوی جامعه می‌دانند و تأکید دارند که پیروی از تعلیم دینی و اصول اخلاقی، برای حفظ ارزش‌ها ضروری است.

۲-۳-۲- جنگ طلبی

از جمله عواملی که در تغییر ارزش‌های اسلامی نقش داشته‌اند، تلاش دشمنان برای انحراف اصول ارزشی و از دست دادن تمدن دینی مسلمانان می‌باشد. این تاکتیک‌ها به منظور انحراف از مسیر دینی و تضعیف اعتقادات اسلامی در جامعه بکار گرفته می‌شود.

در این مورد آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: یکی از نقشه‌های دشمنان برای تغییر ارزش‌های اسلامی همّت دشمنان مسلمین برای انحراف اصول ارزشی و انحراف از تمدن دینی مسلمین بوده است. به همین دلیل در آیه ۲۱۷ سوره بقره چنین آمده است: «... ولا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا ...» «دشمنان شما دائماً با شما می‌جنگند تا شما را از دینتان برگردانند اگر بتوانند» با این آیه و تشویق به جهاد مسلمانان را از چنین خطر فکری و اعتقادی آگاه شدند و با آن به نبرد برخاستند و آتش فتنه را فرو نشانند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۶۲).

آیت‌الله حضرت آقا سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب در اول فروردین ۱۴۰۲ در سخنرانی نوروزی که در حرم رضوی داشتند در این زمینه در مورد جنگ ترکیبی و سیاست‌های دشمن، اهمیت اطلاع‌رسانی به مردم را تأکید کردند. ایشان بیان کردند که در این نوع جنگ، حملات نظامی وجود ندارد، بلکه با تبلیغات خارجی و دنباله‌روهای آن در داخل، با وسوسه به باورهای

دینی و سیاسی مردم حمله می‌کنند تا اراده ملت را تضعیف کنند و امید جوانان را خاموش کنند. آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: دشمنان به دنبال ایجاد اختلافات در کشور هستند و تلاش می‌کنند تا اراده ملت را از دست برده و با استفاده از عوامل مختلف، از جمله ابزارهای فرهنگی، امنیتی و اقتصادی، بی‌ثباتی و ناامنی ایجاد کنند.

بنابر این، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد جنگ ترکیبی و تلاش‌های دشمنان برای انحراف ارزش‌های مردم توجه به اهمیت اطلاع‌رسانی و استقامت از دستورات دینی برای مقاومت در برابر تهدیدات خارجی و داخلی داشته و از تلاش‌های مخرب دشمنان در ایجاد ناامنی در کشور هشدار دادند.

۲-۳-۳- مبارزه معماران اندیشه نوین

در دوران مدرن جدید معماران و اندیشمندان جدید در زمینه مدرن و جهان جدید به مبارزه علمی با اندیشه‌های دین گرایانه مشغول اند. در دوره جدید این اندیشمندان دین را سد راه تجددگرایی و بیداری انسان دانسته و اندیشه‌های دینی را مانع تحقق اهداف نوگرایان می‌دانند. بعضی از فلاسفه مانند دکارت و اسپینوزا، به استقلال عقل انسان در استدلال بشر از وحی، به عنوان معیار نهایی حقیقت اعتقاد داشتند. در عین حال، برخی دیگر مانند هیوم، با پایه گذاری فلسفه تجربی، علیت را نفی و براهین خداشناسی را نقد کردند. همچنین، فیلسوفانی مانند کانت، با بررسی حدود شناسایی عقل، ادعا کردند که عقل انسان نمی‌تواند به شناخت وجود خدا دست یابد و نه بر وجود او برهان ارائه دهد و می‌گفت که خدا فقط توسط عقل عملی قابل شناخت است. وی با آثاری، از جمله "نقد عقل نظری" و "عقل عملی"، تأثیر زیادی بر اندیشمندان بعد از خود گذاشت که به فلسفه به عنوان علمی که به هستی شناسی می‌پردازد، توجه کمتری شده است و در نهایت، با ظهور فلسفه‌های پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم از یک سو، که این آخری بر دل مشغولی به غم وجود انسان و نظایر آن مبتنی است، و پوزیتیویسم از سوی دیگر، که بر استفاده از منطق در ارتباط تنگاتنگ با علوم تجربی مبتنی است، سخت گرفتار فلسفه‌های ضد «ما بعد الطبیعی» و ضد دینی شده است؛ به گونه ای که مسائل و موضوعات دارای ماهیت ما بعد الطبیعی مغفول مانده است و هیچ توجهی به آن نمی‌شود. علم جدید نیز بر نگرش فلسفی خاصی مبتنی است که عوامل جهان مادی یعنی فضا، زمان، ماده، حرکت و انرژی را واقعیت‌هایی می‌داند که از مراتب عالی‌تر هستی، مستقل و منقطع از قدرت خداوند عمل می‌کنند و ذهن انسان که این جهان را مطالعه می‌کند، همانا شعور فردی بشر است که چیزی جز قدرت استدلال نیست و ربطی به عقل و وحی ندارد. علم گرایی جدید که علم جدید را طریقه ای برای نگرستن به همه چیز تبدیل کرده است، هیچ نظری را جز در صورتی که علمی باشد برای حصول به معرفت، جدی تلقی نمی‌کند و امکان هرگونه راه و روش دیگری برای شناخت را - همچون شناختی که

از رهگذر وحی حاصل می‌شود - منتفی می‌داند؛ حتی واقعیت معنوی ای را که انسان همواره در اطراف خود می‌یافته، از میان برده است. زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دنیای متجدد نیز به دلیل اعتقاد به جدایی دنیا و آخرت و اقتدار دنیوی و اخروی و حذف دین از صحنه‌های اجتماعی، میدان را برای حاکم شدن آرا و اندیشه‌های انسانی باز کرده است؛ زیرا انسان، موجودی مستقل از مابعد الطبیعه دانسته شده که باید فقط خود بشناسد و خود تصمیم بگیرد و همه چیز را در خدمت خود قرار دهد. به دیگر سخن، با تفکر اومانیزم و انسان محوری، این انسان است که توان شناخت همه حقایق و همه نیازهای خود را دارد و به حقیقتی غیر از خود نیاز ندارد تا حقایق را به او بشناساند یا نیازهای او را برآورده سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۵، ۱۶).

بنابراین، در دوره مدرن جدید، معماران و اندیشمندان جدید در تلاش برای مبارزه با اندیشه‌های دینی بوده‌اند. این تلاش‌ها به منظور ترویج تفکرات علمی و تجدیدگرایی انسان هستند و اعتقاد دارند که اندیشه‌های دینی ممکن است مانع پیشرفت و بیداری انسانی شوند. در این زمینه، برخی از فلاسفه مانند دکارت و اسپینوزا به استقلال عقل انسان اعتقاد داشتند و این را به عنوان معیار اصلی برای شناخت حقیقت می‌پذیرفتند. نتیجتاً، در دنیای مدرن جدید، تضادهای زیادی بین دیدگاه‌های دینی و علمی وجود دارد. این تضادها به شکل‌گیری اندیشه‌های متنوع و ابهامات فلسفی منجر شده است که در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأثیرات قابل توجهی داشته‌اند.

۲-۴- عوامل الهی - اعتقادی

۲-۴-۱- دوری از اعتصام به فرمان خدا

در دنیای امروز، یکی از عوامل بحرانی که به نابودی ارزش‌ها و فضایل انسان منجر می‌شود، دوری از اعتصام به فرمان‌های خداوند است. در زمانی که انسان از راهنمایی‌های الهی دوری می‌کند و به تعالی‌ها و دستورات او عمل نمی‌کند، ارزش‌ها و فضایل از اولویت‌ها می‌افتد. اعتصام به فرمان‌های خداوند، همان چشم‌اندازی است که به انسان امکان می‌دهد تا از تمامی ارزش‌های اصیل و فضایل خود از جمله اخلاقیات، انسانیت و مسئولیت پیروی کند. این اعتصام به مقادیر الهی، تضمین‌کننده‌ی آن است که انسان در مسیری پایدار و پر از برکت قرار خواهد گرفت، در حالی که دوری از این اصول، او را به سمت نابودی ارزش‌ها و فراموشی اصول انسانی خواهد سوق داد.

حقیقت اعتصام پناه بردن و وابستگی به ریسمانی معصوم و عصمت بخش است و از آنجا که حبل الاهی در روایات معتبر عامّه و امامیه به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تفسیر شده است، پس امتثال فرمان خدای سبحان در اعتصام به حبل الاهی، تنها در صورتی امکان

وقوعی خواهد داشت که حبل الله (امام معصوم) وجود عینی داشته، از هر گونه خطیئه (گناه) و خطا (اشتباه) ایمن باشد؛ وگرنه دستور خدای حکیم، امر به مُحال و تکلیف ما لایطاق خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۷ الف: ۱۷۸).

اعتصام به صحیفه سجّادیه زمینه دستاویزی به حبل ناگسستنی پروردگار را فراهم می‌کند و با چنین دستگیره‌ای، ذهن جامعه از سوء تشخیص نظام ارزشی مصون می‌ماند و طبقه مرفّه بی درد را گرمی نمی‌دارد و در ترفیه خویش نمی‌کوشد و محرومان دردمند را تحقیر نمی‌نماید و با این کار نابخردانه زمینه شورش مردمی را فراهم نمی‌کند. عصمت امت اسلام از اختلاف درون گروهی، محصول اعتصام به حبل خردبخش و عقل محور الهی است. بنابراین نتیجه اعتصام تنها صیانت شخصی نخواهد بود (همان: ۲۲۳).

در نتیجه، اعتصام به حبل الهی به معنای پناه بردن و وابستگی به امام معصوم و عصمت بخش است. این اعتصام به حبل الله، به معنای پناه بردن به ریسمان غیرقابل شکسته‌ای است که از آنجا که در روایات معتبر به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تفسیر شده است، تضمین کننده عصمت و پاکی ایشان از هر گونه گناه و اشتباه می‌باشد. به این ترتیب، تطابق با فرمان‌های الهی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که امام معصوم به عنوان حبل الهی وجود عینی داشته باشد و از هرگونه نقصان و خطا در امور دینی مصون باشد. در غیر این صورت، اجرای دستور خدا به عملی غیرممکن خواهد انجامید. به این ترتیب، اعتصام به حبل الهی و استناد به صحیفه سجّادیه می‌تواند عاملی برای ایجاد تفاهم و انسجام در جامعه، حفظ ارزش‌ها و اخلاقیات معنوی و ارتقاء عصمت امت اسلامی باشد.

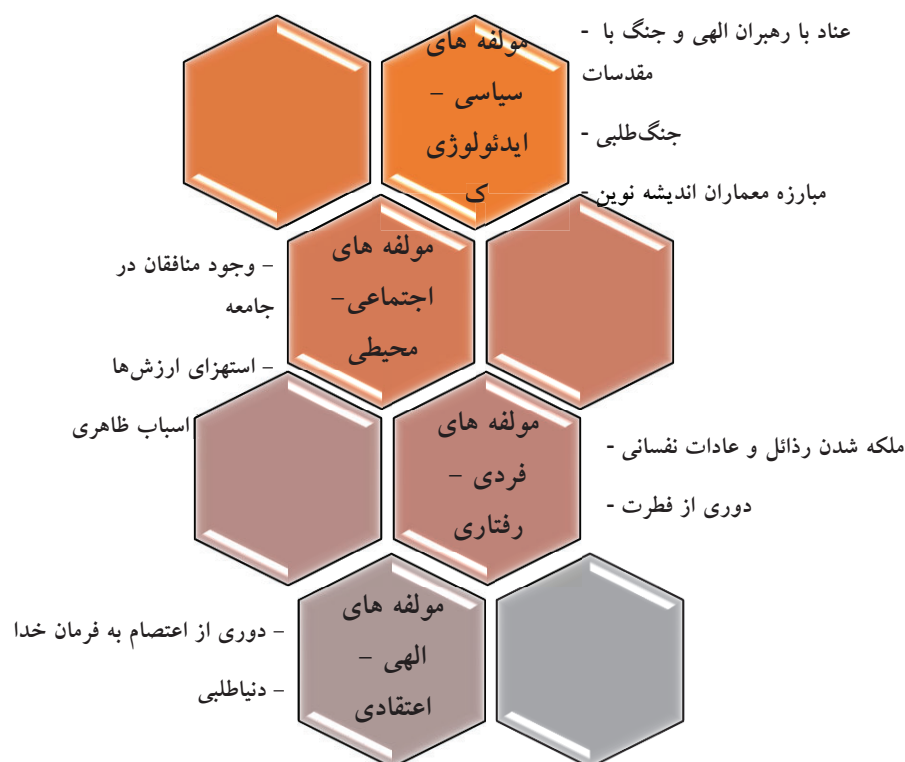
۲- ۴- ۲- دنیاطلبی

از جمله عواملی که به نابودی ارزش‌ها کمک می‌کند، تمایل به دنیاطلبی است. این عوامل نه تنها ممکن است ارزش‌های معنوی را تضعیف کند، بلکه می‌تواند به کمرنگ شدن ارتباط با اصول و ارزش‌های مهم در زندگی انسان منجر شود. در دنیای امروز، فشارهای مختلف از جمله تبلیغات مصرف‌محور و تمایل به بهره‌گیری از لذت‌های مادی، افراد را به سمت دنیاطلبی جلب می‌کند و از ارتباط نزدیک با ارزش‌های اخلاقی و معنوی منحرف می‌سازد.

آیه «أُولَئِكَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» نشان می‌دهد که اساس کار یهودیان دنیا طلبی است. در عصر کنونی نیز این خطر وجود دارد؛ اساس همه طغیانگری‌ها و تجاوزها این است که آنها آخرت را که سرمایه اصلی و مطلوب فطرت انسان است، فروخته و در عوض دنیا را خریده‌اند؛ کالای ابدی را داده و متاع زودگذر و فانی را دریافت کرده‌اند و منشأ این معامله خسارت بار، این است که همه اعمال آنان ناشی از هواهای نفسانی است و موافقت یا مخالفت با دین الهی برای آنان مطرح نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۲۹).

انسان شهرنشین، در تلاش برای راحتی و تجملات زندگی، به غذاهای رنگارنگ و وسایل زیبا علاقه‌مند می‌شود. با رسیدن به یک مرحله از رفاه و تجمل، همواره به دنبال مرحله بالاتری می‌باشد. این روند باعث می‌شود که انسان به تن‌آسایی و مداعبه خود اهمیت بیشتری بدهد، به تدریج از شجاعت و دلاوری دوری کند و در نهایت دچار ذلت و مسکنت و نیاز و وابستگی می‌شود. به این ترتیب، ممکن است یک جامعه‌ی پیشرفته و متمدن به نابودی برسد و این همان حقیقتی است که قرآن کریم در سوره «اسراء» آیه ۱۶ به آن اشاره دارد که اتراف و اسراف و شهوت‌رانی‌ها ممکن است سقوط و هلاکت ملّتی را در پی داشته باشد: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَهْلِكَ قَرْيَةً...» در چنین حالتی بین انسان‌ها رقابت ایجاد شده و برخی رای رسیدن به اهداف خود ذلت را می‌پذیرند و اصول ارزشی دست‌خوش اغراض مادی می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴، ج ۴: ۶۳۹ و ۶۴۰). در نتیجه تمایل به دنیاطلبی می‌تواند ارزش‌های معنوی را تضعیف کند و ارتباط انسان با اصول مهم در زندگی را کمرنگ نماید. فشارهای مصرف‌محور و تمایل به لذت‌بردن از لذت‌های مادی، افراد را به دنیاطلبی جلب می‌کند و ممکن است از ارتباط نزدیک با ارزش‌های اخلاقی و معنوی منحرف کند. آیه "أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ" به این نکته اشاره می‌کند. این تمایل می‌تواند به کاهش شجاعت و دلاوری افراد منجر شود و ارزش‌های اخلاقی و معنوی را به حاشیه ببرد. در نتیجه، تمایل به دنیاطلبی می‌تواند به نابودی ارزش‌ها و اصول مهم در زندگی انسان منجر شود.

در تحلیل رابطه میان این مولفه‌ها در دگرگونی نامطلوب نظام ارزشی، می‌توان بیان داشت که چنین می‌نماید که ریشه همه این مولفه‌ها اولاً به تغییر در مسیر مولفه‌های الهی - اعتقادی (دوی از اعتصام به فرمان خدا و دنیاطلبی) باز می‌گردد؛ یعنی ابتدا افراد دچار تغییر در این مولفه می‌شوند. سپس متأثر از این تغییر، به مرور، مولفه‌های فردی - رفتاری ایشان (ملکه شدن رذائل و عادات نفسانی، دوری از فطرت و اسراف) تغییر می‌کند. با شدت یافتن این حالات و تغییرات، اندک اندک دگرگونی نامطلوب ارزش‌ها، گسترده‌تر شده و حیطه‌های جدید را شامل می‌شود و به حیطه مولفه‌های اجتماعی - محیطی (وجود منافقان در جامعه، استهزای ارزش‌ها و تکیه بر اسباب ظاهری) کشانده می‌شود. در نهایت، ماحصل این چرخه دگرگونی‌ها نامطلوب، با توسعه فزاینده‌ای که دارد، بر مولفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک (عناد با رهبران اهلی و جنگ با مقدسات، جنگ طلبی، مبارزه معماران اندیشه نوین) تأثیر گذار خواهد بود. تبیین ارائه شده، مدل زیر را در نهایت در اختیار ما قرار می‌دهد.



نتیجه‌گیری

تغییرات منفی در نظام‌های ارزشی نتیجه مستقیم دوری از معنویت، امان و اخلاق است. آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر اهمیت بازگشت به اصول معنوی، راه نجات جامعه را در احیای ارزش‌های توحیدی و اخلاقی می‌داند. بررسی عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی در این مقاله نشان می‌دهد که توجه به معنویت و اخلاق، می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی برای مقابله با بحران‌های ارزشی عمل کند. در تحلیل رابطه میان این مولفه‌ها در دگرگونی منفی نظام ارزشی، می‌توان گفت که به نظر می‌رسد ریشه تمامی این تغییرات ابتدا در تغییر مسیر مولفه‌های اعتقادی و الهی (گسستن از دستور خدا و تمایل به دنیادوستی) نهفته است؛ به عبارت دیگر، نخست افراد در این مولفه تغییر می‌کنند. سپس، تحت تأثیر این تغییرات، به تدریج مولفه‌های فردی و رفتاری آنان (نهادینه شدن ردایل و عادات نفسانی، فاصله گرفتن از فطرت و اسراف) تغییر می‌یابند. با شدت گرفتن این تغییرات و حالات، به تدریج دگرگونی منفی ارزش‌ها گسترش یافته و به حیطه‌های جدید کشیده می‌شود، تا آنجا که به مولفه‌های اجتماعی و محیطی (وجود منافقان در جامعه، تمسخر ارزش‌ها و توجه به امور ظاهری) سرایت می‌کند. در نهایت، این

چرخه منفی با گسترش روزافزون خود، بر مولفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک (مخالفت با رهبران دینی و مبارزه با مقدسات، جنگ طلبی، و تقابل با اندیشه‌های نوین) تأثیر می‌گذارد.

۳- قدردانی

این پژوهش، مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اول، تحت راهنمایی نویسنده مسئول در دانشگاه مازندران می باشد.

کتابنامه

- قرآن مجید
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، انتظار بشر از دین، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مجلد ۳، تحقیق علی زمانی قمشه-ای، چاپ دوم، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مجلد ۵، تحقیق علی زمانی قمشه-ای، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷)، نسبت دین و دنیا، تحقیق علیرضا روغنی موفق، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰) تفسیر تسنیم، مجلد ۵، تحقیق محمد قدسی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، مجلد ۲، تحقیق علی اسلامی، چاپ ششم، قم: انتشارات اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، تفسیر تسنیم، مجلد ۲۷، تحقیق محمدفراهمی، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴) تفسیر تسنیم، مجلد ۴، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵ الف) تفسیر تسنیم، مجلد ۳۸، تحقیق سعید بندعلی و حسین اشرفی، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵ ب)، تفسیر تسنیم، مجلد ۳۴، تحقیق روح الله رزقی، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، تسنیم، مجلد ۴۵، تحقیق حسین اشرفی و روح الله رزقی و احمد جمالی، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷ الف)، ادب فنای مقربان، مجلد ۱۰، چاپ اول، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷ ب)، کوثر کربلا، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸ الف)، انسان از آغاز تا انجام، تحقیق مصطفی موسوی تبار، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸ ب)، تفسیر تسنیم، مجلد ۳۶، تحقیق مرحوم حجت الاسلام محمد صفایی، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.

پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی (ISC) / ۸۰۷

● علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدحسین حکیمی، ناصر مکارم شیرازی و دیگر مترجمان